

ترجمه عوارف المعارف از ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی

امید سُروری¹

چکیده

عوارف المعارف شهاب‌الدین عمر سهروردی از امّات کتب صوفیه است که تأثیر آن بر عرفان و تصوف به طور کلی و چهارده فرقه منشعب از سهروردیه، چشم‌گیر است. ترجمه‌های فارسی این کتاب نیز در روند تأثیر عقاید فرقه سهروردیه و شکل‌گیری طریقت‌های منشعب از آن، اهمیت فراوانی دارد. یکی از این ترجمه‌های تأثیرگذار و البته ناشناخته، ترجمه عارف بزرگ سده 87 ق، ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی است که کهن‌ترین یا یکی از کهن‌ترین این ترجمه‌هاست. این ترجمه با وجود اهمیت فراوانش، هنوز تصحیح نشده و هیچ‌گونه چاپی از آن در دست نیست. همچنین در مورد این عارف بزرگ و ترجمه‌اش، تحقیق و پژوهشی درخور صورت نگرفته است.

کلیدواژه: عوارف المعارف، معارف‌العوارف فی ترجمه عوارف المعارف، ظهیرالدین عبدالرحمن شیرازی، نجیب‌الدین علی بزغش، صدرالدین جنید بن فضل‌الله، ذیل معارف‌العوارف.

پیشینه پژوهش

تاکنون درباره ظهیرالدین عبدالرحمن و اثرش، معارف‌العوارف، تحقیق جامع و مستقلی صورت نگرفته است. آنچه در منابع تحقیقی در این خصوص یافت می‌شود، دو مقاله است: نخست با عنوان «ترجمه عوارف

1. پژوهشگر متون

المعارف سهروردی¹ و دوم «عارفان سهروردیه بزغشیه فارس»²، که در مقاله نخست ذکر مختصری از این ترجمه رفته و در دومی این مترجم اندکی معرفی شده است.

شرح احوال مترجم

ظهیرالدین عبدالرحمن پسر نجیب‌الدین علی بزغش شیرازی (594 88 ق.) است که عارف مشهور اهل شیراز و شاگرد نامی شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، بوده است.³ تاریخ ولادت عبدالرحمن مشخص نیست، اما در *شدا/آزار* آمده که (البته اگر بتوان به این داستان اعتماد کرد) در زمانی که همسر نجیب‌الدین علی، عبدالرحمن را باردار بوده، شهاب‌الدین عمر سهروردی (م 82 ق.)، پاره‌ای از خرقة خود را برای وی فرستاده و پس از اینکه وی به دنیا آمده، این پاره را بر وی پوشانیده‌اند.⁴ به این ترتیب، باید عبدالرحمن پیش از 82 ق. به دنیا آمده باشد.

ظهیرالدین از ابتدای حیات، تحت تعلیم و تربیت پدرش، نجیب‌الدین علی، قرار داشته و از وی علوم و معارف اولیه را آموخته است. این سیر تربیتی در جوانی او را به راه عرفان و تصوّف می‌کشد تا سرانجام قدم در طریقت سهروردیه می‌نهد.

عبدالرحمن در هجده سالگی سفر حجی داشته که در سه منبع از آن یاد شده است. در دو منبع نخست، *شدا/آزار* و *هزار مزار*، گفته شده که در شب عرفه پدرش، نجیب‌الدین علی، او را در خواب می‌بیند که در روضه پیامبر (ص) سلام می‌دهد و خطاب می‌شنود که «السلام علیک یا ابا النجاشی» و نجیب‌الدین علی پس از این خواب، با خوشحالی، همین کنیه را برای فرزندش بر می‌گزیند.⁵ در منبع سوم نوه وی، صدرالدین جنید (م 792 ق.) می‌گوید که عبدالرحمن در بیداری و در ضمن زیارت روضه پیامبر (ص)، خطاب مذکور را شنیده است.⁶

در *شدا/آزار* آمده که وی پس از بازگشت، روی به خواندن حدیث آورد و پس از مدتی خود به تدریس حدیث پرداخت و ضمن سماع نزد ناصرالدین ابوحامد محمود بن مسعود (م 705 ق.) و روایت، تألیف آثار خود را شروع نمود.⁷ استاد دیگر وی شرف‌الدین عبدالله بن زکی بن عبدالله بوشکانی (م 8 ق.) نام داشته

1. مایل هروی، «ترجمه عوارف المعارف»، نشر دانش، شماره 32، ص 37.

2. شمس، «عارفان سهروردیه بزغشیه فارس»، معارف، شماره 50، ص 109.

3. برای آشنایی بیشتر با نجیب‌الدین علی بزغش، ر.ک: شمس، «عارفان سهروردیه بزغشیه فارس»، معارف، شماره 50، صص 104-109.

4. شیرازی، معین‌الدین جنید، *شدا/آزار*، ص 338؛ شیرازی، عیسی بن جنید، *ملتسم الاحبا*، ص 375.

5. همان‌ها.

6. شیرازی، صدرالدین جنید، *ذیل معارف العوارف*، خطی، برگ 2 پ).

7. شیرازی، معین‌الدین جنید، *شدا/آزار*، ص 339؛ عیسی بن جنید، *ملتسم الاحبا*، ص 375.

و در مورد او گفته‌اند که جامع اقسام علوم از معقول و مشروع بوده است.¹ از استادان دیگر وی اطلاعی در دست نیست.

عبدالرحمن پس از فوت پدرش در 708ق. بر مسند وی در شیراز تکیه زد و به تعلیم علوم دینی و معارف صوفیه و ارشاد و راهنمایی سالکان طریقت سهروردیه بزغشیه شیراز پرداخت.² در این دوران عالمان و عارفان بزرگی در حلقه درس وی گرد آمدند و از او ارشاد گرفتند؛ بهاءالدین علی / عمر بن ابی بکر بن عبدالله بدل (م 739ق.)، شیخ ناصرالدین عمر بن محمد بن عمر بن احمد کبری (م هفتصد و... ق.)، ابوالبقاء عبدالله بن محمود بن حسن شیرازی (وی داماد عبدالرحمن هم بوده) (م 772ق.)،³ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی،⁴ نجم‌الدین احمد زرکوب شیرازی (م 745ق.)،⁵ شمس‌الدین محمد بن نجم‌الدین محمود کازرونی (م 770ق.)⁶ از جمله آنها هستند.

عبدالرحمن در مجالس تذکیر و تدریس خود، همواره بر خواندن و تدریس عوارف المعارف تأکید داشته است. این تأکید از روی اجازه‌ای که وی برای تدریس عوارف المعارف به احمد زرکوب (صاحب شیرازنامه) داده، مشخص است.⁷

تاریخ وفات عبدالرحمن مورد اختلاف است و منابع، تاریخ‌های 724ق،⁸ 716ق،⁹ و 714ق را ذکر کرده‌اند که قول آخر به نظر دقیق‌تر می‌رسد، زیرا گفته صاحب شیرازنامه است که خود شاگرد عبدالرحمن بوده است.¹⁰ همچنین گفته شده که مزار عبدالرحمن، در کنار مزار پدرش در خانقاه محله قتلخ بوده است.¹¹ عبدالرحمن فرزندی به نام فضل‌الله داشته که تنها نامی از او در *شداالازار* و *ذیل معارف العوارف*¹² ذکر شده و هیچ اطلاعی از وی در دست نیست، ولی نوه او صدرالدین جنید بن فضل‌الله، از مشاهیر صوفیه شیراز است و هموست که ذیلی بر معارف العوارف نوشته است.

1. همان، ص 298؛ همان، ص 342.
2. همان، صص 71 - 338؛ همان، صص 111، 375.
3. همان، صص 73، 122، 85؛ همان، صص 113، 114، 162، 127.
4. علاءالدوله سمنانی، *مصنفات فارسی علاءالدوله سمنانی*، ص 341.
5. زرکوب شیرازی، *شیرازنامه*، ص 191.
6. شیرازی، *ظهیرالدین عبدالرحمن، معارف العوارف*، خطی، برگ 5.
7. زرکوب شیرازی، *شیرازنامه*، ص 191.
8. فصیح خوافی، *مجمل فصیحی*، ج 3، ص 23.
9. شیرازی، *معین‌الدین جنید، شداالازار*، ص 339؛ جامی، *نفحات الانس*، 476.
10. زرکوب شیرازی، *شیرازنامه*، ص 191.
11. همان؛ شیرازی، *معین‌الدین جنید، شداالازار*، ص 339.
12. همان؛ شیرازی، *صدرالدین جنید، ذیل معارف العوارف*، خطی، برگ 2 ر.

آثار

تنها اثر شناخته شده عبدالرحمن، ترجمه عوارف المعارف سهروردی است که آن را معارف العوارف فی ترجمه العوارف المعارف نام نهاده است. البته این اثر ترجمه مکتوب عبدالرحمن نیست، زیرا به املائی یکی از شاگردانش به نام شمس‌الدین محمد بن نجم‌الدین محمود کازرونی تهیه شده و باید حاصل حلقه‌های درس او باشد.¹ شرح احوال کوتاهی از وی و پدرش در *شذالازار* آمده که بر اساس آن، شمس‌الدین محمد، حدیث درس می‌داده و صاحب فتوی بوده و در حلقه درس او علما و فضلاء بسیاری جمع می‌شده‌اند. او سرانجام در 770 ق. از دنیا رفته و جنازه‌اش را در پشت دروازه کازرون دفن کرده‌اند.²

اما عبدالرحمن درباره سبب ترجمه خود می‌گوید: «چون [مردمان را] عربیت مدد آرزو و امنیتشان ندادی و در کف تحیرشان از این دریای دُررفشان جز کف تحسر نشانندی و از یمین و یسار رخسار عجز و انکسار بر زانوی حسرت نهادندی و از سینه‌های چاک آه سوزناک برآوردندی تا دریافت این دولت را چه چاره سازند و با لب خشک بر لب آب حیات چند در سازند. ناگاه از قداحه صدق این صادقان شریف در دل سوخته این ضعیف افتاد که آیا چه شدی و چون افتادی اگر مرا دست‌گیری این درماندگان دست دادی تا مگر از پایمردی مرادشان در مرادی بگشادی [...] ناگاه] آتش طلبشان افروخته بشد و آنچه در دل داشتند به زبان گفته شد، به یکبارگی به ترجمه کردن این تصنیف شریف روی در این ضعیف آوردند و در پارسی کردن این کتاب اصرار و اطناب کردند...»³

وی در خصوص شیوه ترجمه خود می‌گوید: «یقین است که حالات کلام از ترجمه آن جستن محال آید؛ خاصه کلام عربی که هیچ کلام به حالات و ملاحظت و فصاحت با آن بر نسنجد و حالات عبارت آن در هیچ لغت در ننگد لاسیما کلام شیخ - قدس الله روحه - که جملگی آن فتوحات غیبی است نه مفتوحات فکری و مسامرات سری است نه مناسبات وهمی، [...] پس لازم آمد لفظ به لفظ پارسی کردن تا هر کسی به قدر حوصله استعداد از معانی این کلمات بهره‌ای بردارد مگر جایی که ضرورتی روی نماید که لفظ به لفظ پارسی نتوان کرد به ضروری مقدم و موخر آید و هرآنچه از آیات قرآن و اخبار رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بود کما هو لفظ آن مکتوب گردد و پارسی آن به آن منضم شود - این شاء الله - و همچنین هر کلمه‌ای لغت آن به پارسی گفتن منکر یا متعذر بود، آن لفظ بعینه به جای خود باز گذاشته شود و آن کلمات که ظواهر و معانی آن به آسانی دریافت نتوان، اشاره از آن در خاتمه کتاب گفته شود. ان شاء الله تعالی.»⁴

این ترجمه خود جایگاه ویژه‌ای میان صوفیه پیدا می‌کند که برای تدریس آن نیز اجازه‌نامه لازم بوده است. این مطلب از روی اجازه‌نامه‌ای که تحت عنوان «اجازة لنجم‌الدین محمد بن عمر بن یوسف فی قرائة عوارف المعارف ابی عبدالرحمن علی بزغش» به تاریخ دهه اول جمادی الاول 770 ق. صادر شده،

1. شیرازی، ظهیرالدین عبدالرحمن، معارف العوارف، خطی، برگ 5.

2. شیرازی، معین‌الدین جنید، *شذالازار*، صص 118-119؛ عیسی بن جنید، *ملتسم الاحبا*، 159-160.

3. شیرازی، ظهیرالدین عبدالرحمن، معارف العوارف، خطی، برگ 4.

4. همان، برگ 6.

قابل اثبات است.¹

نکته دیگری که در معارف العوارف به آن اشاره رفته، اینکه چون عبدالرحمن ترجمه خود را لفظ به لفظ انجام داده، قصد شرح برخی مشکلات و اصطلاحات دشوار عوارف المعارف را داشته، ولی موفق به انجام آن نشده است.² تحقق این آرزوی وی را نوه اش صدرالدین جنید (م 792 ق.)، بر عهده گرفته و ذیلی بر معارف العوارف نوشته. این ذیل نیز هنوز تصحیح و چاپ نشده است.³

معرفی نسخ معارف العوارف فی ترجمه عوارف المعارف

از این ترجمه مهم که تصحیح و چاپ نشده و حتی هیچ پژوهشی روی آن صورت نگرفته، پنج نسخه تا امروز شناخته شده است:

نخست: کهن ترین نسخه آن در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علیگر هند به شماره (560) H.G.21/63 وجود دارد که به تاریخ 891 ق. در 210 برگ کتابت شده است.⁴

دوم: این نسخه، در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علیگر هند به شماره 297.07/56 نگهداری می شود که تاریخ کتابت آن 1029 ق است و در 188 برگ نوشته شده.⁵

سوم: نسخه ای که در مجموعه شیرانی به شماره 305/73 نام برده شده و در آنجا تنها به تاریخ کتابت که قرن 13 ق. است، اشاره شده.⁶

چهارم: در کتابخانه برلین و در مجموعه ای شامل 1. معارف العوارف فی ترجمه العوارف المعارف، 2. نفعات الانس، 3. شواهد النبوه به شماره 38. [II, 483, peterinam]. این نسخه را ابوالحسن مبارک از 1093 ق. - 1097 ق. کتابت کرده است.⁷

پنجم: در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور، نسخه ای به شماره 542. در 337 برگ به قطع رحلی که در 1258 ق. کتابت شده است.⁸

1. این اجازه نامه در مجموعه ای به شماره 5478/7 است و فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می شود. ر.ک: دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 3، ص 157.

2. شیرازی، ظهیرالدین عبدالرحمن، معارف العوارف، خطی، برگ 6؛ شیرازی، صدرالدین جنید، ذیل معارف العوارف، برگ 3 ر.

3. نگارنده، تصویر دستنویسی از ذیل معارف العوارف را (به تاریخ کتابت 1003 ق) همراه نسخه ای از عوارف المعارف که به خط صدرالدین جنید شیرازی است، به سال 1393 در انتشارات بنیاد شکوهی به چاپ رسانده و در آنجا مفصل این نویسنده و آثارش را معرفی کرده است.

4. ر.ک: فهرست مرکز میکروفیلم نور، ص 200: Nazir Ahmed p 175-176.

5. ر.ک: خواجه پیری، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص 621.

6. ر.ک: محمدبشیر، فهرست مخطوطات شیرانی، ج 2، ص 208.

6. Wilhelm Pertsch, p. 89.

8. نوشاهی، فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور، ج 1، ص 506.

نتیجه گیری

این ترجمه مهم بر اثر تحقیق در فهرست نسخ خطی یافت شده و همچنان در انتظار تصحیح به سر می برد. این مقاله خود دلیل دیگری است بر اهمیت تصحیح متون که متأسفانه در برخی از دانشگاه ها بی اهمیت دانسته می شود. تحقیق و بررسی این ترجمه به بهتر شناخته شدن عرفان سهروردیه، طریقت بزغشیه و طریقت های منشعب و تأثیرپذیرفته از این دو فرقه، کمک شایان توجهی می کند؛ همچنین پژوهش این ترجمه از نظر روند شکل گیری عرفان در شیراز و نواحی مرکزی ایران، اهمیت فراوانی دارد.

منابع:

1. جامی، عبدالرحمن، *نجات الانس*، به کوشش محمود عابدی، تهران، اطلاعات، 1370.
2. خواجه پیری، مهدی، *فهرست میکروفیلیم های مرکز میکروفیلیم نور در هند، دهلی نو، نشر مرکز میکروفیلیم نور، 1379.*
3. دانش پژوه، محمدتقی، *فهرست میکروفیلیم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران، 138.*
4. زرکوب شیرازی، نجم الدین احمد، *شیرازنامه*، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1350.
5. سمنانی، علاءالدوله، *مصنفات فارسی علاءالدوله سمنانی*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی 1383.
6. شمس، محمد جواد، «عارفان سهروردیه بزغشیه فارس»، *معارف*، شماره 50، آبان 1379.
7. شیرازی، عیسی بن معین الدین جنید، *ملتمس الاحبا*، تصحیح نورانی وصال، شیراز، کتابخانه احمدی، 138.
8. شیرازی، معین الدین جنید، *شدا لآزار*، به تصحیح محمد قزوینی، شیراز، انتشارات نوید، 136.
9. شیرازی، صدرالدین جنید، *ذیل معارف العوارف*، خطی شماره 1437 محفوظ در کتابخانه عاطف افندی ترکیه.
10. شیرازی، ظهیرالدین عبدالرحمن، *معارف العوارف*، خطی به شماره H.G.21/63 (560) محفوظ در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علیگر هند.
11. فصیح خوافی، احمد، *محمل فصیحی*، به کوشش محمود فرّخ، مشهد، باستان، 1341.
12. مایل هروی، نجیب، «ترجمه عوارف المعارف»، *نشر دانش*، شماره 32، بهمن و اسفند 138.
13. محمد بشیر، حسین، *فهرست مخطوطات شیرازی*، لاهور، اداره تحقیقات پاکستان، 1980 م.
14. نوشاهی، عارف، *فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور*، تهران، میراث مکتوب، 1390.
15. Nazir Ahmed, *Essays on Persian literature*, By prof Edited by prof. S. H. Qasemi, Idarah-I-Adabiyat-I-Delli, 2005.
16. Wilhelm Pertsch, *Handschriften der Herzoglichen Bibliothek zu Berliin*. Vox Berlin 1888.



تصویر صفحه نخست معارف العوارف، نسخه کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علیگر

پيام بهارستان / د، س، 7، ش 25 / بهار و تابستان 1394



تصویر صفحہ پایان معارف العوارف، نسخہ کتابخانہ مولانا آزاد، دانشگاه علیگر